

کد خبر: ۴۵۷۹

تاریخ: ۱۳۹۵ دوشنبه ۱۰ خرداد - ۰۱:۱۴

# وقایع اتفاقیه

حسین موسویان در گفت‌وگو با «وقایع اتفاقیه» نتیجه اتهامات به تیم مذاکره کننده را تشریح کرد

## ظریف سرخورده شده است

ساختار تصمیم‌گیری در همه دوره‌های مذاکرات هسته‌ای ثابت بوده است و شورای عالی امنیت ملی، مرجع اصلی تصمیم‌گیری‌ها و شخص مقام معظم رهبری هم تصمیم‌گیرنده نهایی بوده‌اند؛ منتهی شرایط سیاسی داخلی و روابط خارجی در هر دوره متفاوت بوده است

احسان تقوایی: مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۱+۵ از همان ابتدا فضای داخلی در ایران و آمریکا را به دو گروه مخالف و موافق تقسیم کرد. هرچند به‌طور کلی در سطح بین‌المللی نیز برخی کشورها مخالف به نتیجه رسیدن گفت‌وگوهای هسته‌ای و توافق برجام بودند اما به نظر می‌رسید آنچه بیش از همه چیز بر این موضوع تأثیر گذار بوده است، فضای داخلی در تهران و واشنگتن است. از یک سو موافقان برجام با درپیش گرفتن رویکردی واقع‌گرایانه، این توافق را گامی در جهت حل و فصل شدن یکی از چالش‌های نظام بین‌الملل تفسیر می‌کنند و از سوی دیگر این مخالفان برجام هستند که با توجیحات مختلف در صددند نشان دهند توافق انجام شده مفید نبوده و در آینده نیز نمی‌توان روی آن حساب باز کرد. حسین موسویان، دیپلمات سابق، یکی از افرادی است که هرچند در ایالات متحده به سر می‌برد اما بیشترین اظهار نظرها درباره موضوع هسته‌ای را انجام داده است. وی که پیشتر سخنگوی تیم مذاکره کننده هسته‌ای در زمان ریاست حسن روحانی بود، بر این باور است، برجام موضوعی جناحی نبوده و نیست و اساس نظام با آن موافقت داشته است. موسویان در گفت‌وگو با «وقایع اتفاقیه» ضمن بررسی تحولات ایجاد شده حول برجام و همچنین سیاست خارجی ایران، به روزنامه «وطن امروز» که وی را به گرفتن پول از آمریکایی‌ها در مقابل حمایت از توافق هسته‌ای متهم کرده، واکنش نشان داد و این مسئله را بی‌اهمیت دانست و گفت: جز منافع کشور و دین مردم، چیزی برایم مهم نیست.

## جناب موسویان نخستین پرسش این است که ماجراهای اخیر مطرح شده در مطبوعات آمریکا (بحث صندوق پلاشرز و صحبت‌های بن رودز) تا چه اندازه منطبق با واقعیت است؟

لازم است به چند نکته کلیدی در این باره اشاره کنم: ابتدا باید گفت در دوران ریاست جمهوری اوباما، درباره پرونده هسته‌ای ایران، دو طرز تفکر به شرح ذیل در آمریکا به مصاف هم رفتند که در نوع خود در تاریخ سیاسی معاصر آمریکا بی سابقه یا کم سابقه بود:

الف: صهیونیسم بین الملل، اعراب وهابی و جناح بازهای آمریکا و غرب که معتقد بودند، شرایط به وجود آمده موجب شده ایران در دام شورای امنیت سازمان ملل افتاده، به عنوان تهدید صلح و امنیت بین الملل به رسمیت شناخته شده و بدترین نوع تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه به ایران تحمیل شده است. از دید این افراد، بعد از انقلاب ۱۳۵۷، آمریکا برای اولین بار موفق شد اروپا و سایر قدرت‌های جهانی را علیه ایران همراه و متحد خود کند. تحریم‌ها اقتصاد ایران را فشل و در آستانه سقوط قرار داده، بنابراین نظام جمهوری اسلامی ایران در لبه پرتگاه قرار گرفته و با استمرار این روند به زودی ساقط می شود. اولویت این طرز تفکر حمله نظامی و کف خواسته‌های آنها هم ادامه تحریم و فشار بود.

ب: جناح دیگری از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان واقع گرا از جمله اوباما و جان کری دموکرات و چاک هیگل، وزیر دفاع جمهوری خواه هم معتقد به حل مسالمت آمیز بحران هسته‌ای ایران، پرهیز آمریکا از ورود به جنگ جدید در خاورمیانه، رفع تحریم‌های هسته‌ای و تعامل با ایران در زمینه بحران‌های منطقه بودند. هدف طرز تفکر دوم هم تأمین منافع ملی آمریکا بود اما بدون تعارف منافع ملی ایران با سناریوی اول متضاد و با سناریوی دوم همخوانی بیشتری داشت.

نکته دیگر اینکه در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد مصاف این دو جناح در سطح سیاسیون، مراکز فکری و تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و رسانه‌ها بود و در دوران ریاست جمهوری روحانی و با نزدیک شدن به توافق، کار به لشگرکشی خیابانی، تظاهرات مردمی در ایالت‌های مختلف، پوستره‌های خیابانی و آگهی‌های تبلیغاتی در شبکه‌های تلویزیونی و روزنامه‌های مهم کشید. علاوه بر این، جناح صهیونیست در داخل آمریکا و در اسرائیل و اعراب وهابی میلیاردها دلار برای موفقیت سناریوی مطلوب خود هزینه کردند. میلیاردها دلار در داخل کنگره و احزاب هزینه کردند و میلیاردها دلار به رسانه‌ها، افراد، مراکز فکری و دانشگاهی و علمی و شرکت‌های متخصص لابی گری پرداختند تا مانع برجام شوند. جناح اوباما از قدرت مالی فوق العاده کمتری برخوردار بود اما در افکار عمومی موقعیت بهتری داشت، چون مردم آمریکا جنگ نمی خواستند، بنابراین اگر بخواهیم از هزینه کردن‌های دو جناح تخمین بزنیم، نسبت خرج کردن جناح صهیونیستی صد برابر جناح واقع گرا بود و برعکس، عربستان که میلیارد میلیارد علیه ایران هزینه می کرد، از جمهوری اسلامی ایران هم

خبری نبود و بعید می‌دانم برای مقابله با جناح صهیونیستی در داخل آمریکا هزینه‌ای کرده باشد. این مصاف همچنان ادامه دارد و جناح صهیونیستی به دنبال فلج کردن برجام است.

## در ایران، جدال‌های مخالف و موافق مذاکرات هسته‌ای چگونه بود؟

در داخل ایران هم دو طرز تفکر داشتیم و مفصل هم به مصاف هم رفتند اما با درایت ستودنی مقام معظم رهبری، در نهایت ارکان نظام شامل مجلس، دولت، شورای امنیت و در رأس همه، شخص مقام معظم رهبری برجام را تأیید کردند و صهیونیست بین‌الملل و اعراب وهابی متخاصم را عزا دار و منافع ملی کشور را تأمین کردند و ستون اصلی هر دو جناح سیاسی کشور هم مشترکاً کمک کردند تا توطئه صهیونیست‌ها را به شکست بکشاند. منتهی این احتمال وجود دارد که هزینه‌های میلیاردی جناح صهیونیسم و اعراب متخاصم شامل افراد و گروهایی در داخل ایران هم شده باشد یا بشود تا در راستای منافع آنها کار کنند.

## نحوه مواجهه شما با موضوع هسته‌ای ایران، پس از خروج از کشور چگونه بود؟

من در ابتدای ورود به آمریکا در سال ۸۸ تصمیم داشتم سکوت کنم و هیچ مصاحبه و سخنرانی و مقاله هم نداشته باشم. یک سالی هم سکوت کرده بودم، منتهی با دیدن هجمه‌های ناجوانمردانه و خطرناک علیه ایران و مظلومیت کشور و مردم، وجدان دینی و ملی‌ام تحمل ادامه سکوت را از من گرفت و وارد کارزار مقابله با جناح صهیونیستی شدم و با همه توان در رسانه‌ها و با مصاحبه و مقاله، در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فکری با سخنرانی و حضور فعال در مباحث کنفرانس‌ها و سمینارها و میزگردها، علیه جنگ و تحریم و فشار علیه ایران روشنگری کردم و از منافع ملی کشور و مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران دفاع کردم. اساس روشنگری‌ها و راه‌حل پیشنهادی من هم چارچوب مصوب کشور بود. در بهار ۱۳۸۴ که من هم عضو تیم هسته‌ای بودم، ایران، اصولی را به سه کشور اروپایی به عنوان راه‌حل پیشنهاد کرد که به خاطر مخالفت آمریکا به نتیجه نرسید؛ این اصول هم بر مبنای پذیرش حق غنی‌سازی ایران، عدم ارجاع به شورای امنیت و عدم تحریم از سوی قدرت‌های جهانی و پذیرش حداکثر شفافیت‌ها در برنامه هسته‌ای و محدودیت‌هایی در زمینه عدم انحراف به سمت ساخت سلاح برای دوره مشخص به وسیله ایران بود. این اصول در سطوح عالی نظام تصویب شده بود و در حقیقت اصولی که در قالب برجام هم به توافق رسید در نهایت همین اصول است.

## رویکرد شما به موضوع هسته‌ای در دوران احمدی‌نژاد چگونه بود؟

من از سال ۸۹ و در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد تا حصول توافق در زمان ریاست جمهوری آقای روحانی همین اصول را به عنوان دیپلماسی صلح‌آمیز هسته‌ای مطرح، تشریح و دفاع کردم و به همین دلیل هم در این دوران بیشترین

اتهامات از سوی منافقین به من زده شد. منافقین، فیلم‌ها علیه من ساختند و پخش کردند و مقاله‌ها نوشتند. به تازگی هم به او باما نامه سرگشاده نوشتند که فلانی مزدور رژیم و تروریست است و مأموریت تغییر رژیم در آمریکا دارد. یک روز برای سخنرانی در حضور دیپلمات‌های خارجی در مقابل سازمان ملل از تاکسی پیاده شدم. فردی جلو آمد و گفت شما آقای موسویان هستی؟ گفتم بله. گفت همان موسویانی که سخنگوی هسته‌ای بود و الان در دانشگاه پرینستون است؟ گفتم بله. گفت اگر اینجا خیابانی در تهران بود یک گلوله توی مغزت می‌زدم که با برادرت که در جنگ عراق کشته شد، محشور شوی و....

## اخیرا روزنامه وطن امروز، گزارشی منتشر کرده و شما را متهم کرده است که در قبال دریافت ۷۰ هزار دلار، به تبلیغ توافق هسته‌ای دست زدید؛ نظر شما در این رابطه چیست؟

برای من واقعا مهم نبوده که چه اتهاماتی در داخل و خارج علیه من مطرح می‌کنند یا چه کسی رئیس جمهوری است یا چه جناحی بر سر کار است؛ بلکه فقط و فقط منافع کشور و دین و مردم برایم ملاک و تصمیم قطعی خودم هم این بود که هیچ‌گاه به صحنه پذیرفتن پست و مسئولیت دولتی باز نخواهم گشت و هنوز هم بر این تصمیم هستم. من از ابتدای ورود به آمریکا در تابستان ۸۸ تا به امروز، در دانشگاه پرینستون شاغل بوده و صرفا هم از این دانشگاه حقوق گرفته‌ام و لاغیر. اینکه نوشته‌اند، بنده ۷۰ هزار دلار از صندوق پلاشرز گرفته‌ام هم دروغ محض است. اینکه دانشگاه پرینستون هم بودجه خود را چگونه تأمین می‌کند، نه به من ربط و نه من اختیاری در این باره دارم. منتهی چکیده مباحث من در مخالفت با جنگ و تحریم علیه ایران، دفاع از حقوق هسته‌ای ایران، مخالفت با قطعنامه ظالمانه شورای امنیت سازمان ملل و دفاع از جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در قالب کتابی به نام «بحران هسته‌ای ایران»، به افکار عمومی جهان عرضه شد. این کتاب در سال ۱۳۹۱ و در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد در آمریکا منتشر شد و سروصدای زیادی به پا کرد و هزاران نسخه از آن به فروش رسید و ربطی هم به ریاست جمهوری و تیم هسته‌ای فعلی ندارد. اصولی که در آخر این کتاب برای حل مسالمت‌آمیز بحران هسته‌ای ایران ارائه کرده‌ام، همان اصول برجام است که مصوب نظام در همه دوره‌ها بوده است و هیچ ربطی هم به باندبازی‌های سیاسی جناحی داخلی در دوره قبلی و فعلی ریاست جمهوری ندارد. کتاب مذکور در دوره آقای احمدی‌نژاد، به انگلیسی در سطح جهانی منتشر شد و ترجمه آن به زبان فارسی آغاز و در دوره آقای روحانی در ایران منتشر شد.

## اقدام روزنامه وطن امروز از کجا سرچشمه می‌گیرد و دلیل مطرح شدن آن چیست؟

شاید برخی در داخل مکانیزم فعالیت‌های دانشگاه‌های آمریکا و غرب را نمی‌دانند. در آمریکا و غرب همه محققان پروپوزال

تحقیق را به دانشگاه خود می دهند و این دانشگاه است که برای تأمین بودجه پروپوزال تحقیق اقدام می کند. دانشگاه‌های آمریکا هم حقوق اساتید برای تدریس را از محل شهریه دانشجویان می دهند و بودجه‌های تحقیقاتی را از مراکز غیردولتی و دولتی تأمین می کنند. همه محققان و اساتید آمریکایی و خارجی در همه رشته‌ها هم بدون استثنا شامل این روال و مقررات هستند. وقتی که مطالبی در برخی از رسانه‌ها از جمله وطن امروز درباره پلاشرز علیه من نوشتند، ایمیلی از یکی از استادان ایرانی الاصل مسلمان در آمریکا دریافت کردم. او فردی است که هر شب جمعه در منزلش مراسم دعای کمیل دارد. وی به من نوشت فلانی! واقعا این قدر سطح اطلاع در ایران از مکانیزم دانشگاه‌های آمریکا کم است که این گونه تهمت می زنند یا رسانه دیگری نوشت که کاخ سفید به مؤسسه پلاشرز پول داده است که این هم خلاف حقیقت است. مؤسسه پلاشرز بنیادی است که معتقد است همه سلاح‌های هسته‌ای در دنیا از جمله روسیه و آمریکا باید از بین بروند؛ این همان تز جمهوری اسلامی است. این مؤسسه خصوصی است و در این زمینه می نویسد و هزینه می کند. بن رودز، از کاخ سفید در مصاحبه خود، فعالیت‌های کاخ سفید برای موفقیت دیپلماسی هسته‌ای اواما را تشریح کرده و گفته بود: کاخ سفید از همه مراکز علمی و آکادمیک و فکری و رسانه‌ای برای تحقق توافق صلح‌آمیز هسته‌ای و پرهیز از جنگ کمک گرفت. او در مصاحبه به مؤسسه پلاشرز هم به این دلیل اشاره کرد که این مؤسسه حتی با سلاح‌های هسته‌ای آمریکا هم مخالف است و مرتب می نویسد که باید سلاح‌های هسته‌ای آمریکا کاهش و نهایتا حذف شود.

**در رابطه با بحث برجام این پرسش در مقطع کنونی مطرح است، چرا ظریفی که به عنوان وزیر خارجه ایران توانست دنیا را قانع کند که هسته‌ای شدن ایران را به رسمیت بشناسند و سبب توافق برجام شد، اکنون در تحولات منطقه‌ای و پیرامونی مانند ماجرای حج که پیش آمد نقشش بسیار پایین آمده است؟**

اولا نظام جمهوری اسلامی ایران مایل نیست که مدل برجام درباره تحولات منطقه‌ای اجرا شود؛ آقای ظریف هم مجری سیاست‌های نظام است و بس. توافق هسته‌ای هم سیاست نظام بود و همه باید خود را ملزم و متعهد به سیاست‌های نظام بدانند؛ دوم اینکه عربستان هم هیچ علاقه‌ای به تعامل با ایران ندارد. خط فعلی ریاض، ایران‌ستیزی و شیعه‌ستیزی است و می خواهد که جهان عرب را علیه ایران و شیعه متحد کند و یکی از دلایل اصلی عربستان هم برجام است. ریاض معتقد به سناریوی جنگ و تحریم ایران بود و اکنون احساس می کند که ایران او را درباره بحران هسته‌ای، ضربه فنی کرده و به دنبال انتقامی کور است.

**برخی‌ها معتقدند فعالیت ظریف پس از برجام بسیار محدود شده است و شاهد آن صفحه مجازی**

**وی است که نه شخص ظریف تمایلی به ارائه گزارش‌هایی همانند سابق دارد و نه دنبال‌کننده‌های وی همانند قبل در این زمینه استقبال می‌کند؛ نظر شما در این رابطه چیست؟**

من احساس می‌کنم که آقای ظریف در جریان برجام سرخورده شدند و توقع اینکه از سوی خودی‌ها متهم به خیانت و مزدوری شوند، نداشتند؛ ضمن اینکه با دیدن دعوای جناحی داخلی هم محتاط شده‌اند. بالاخره وقتی در صحن مجلس به شخصیتی مانند آقای صالحی می‌گویند خاکت می‌کنیم و سیمان رویت می‌ریزیم، هر آدم عاقلی محتاط می‌شود.

**ساختار تصمیم‌گیری در ابعاد کلان سیاست خارجی در جمهوری اسلامی بود که امکان تحقق توافق هسته‌ای را عملی کرد یا متفاوت بودن و تبحر و توانایی تیم روحانی و ظریف؟ فارغ از اینکه بگوییم هر دو تأثیر داشتند، مکانیسم پیشبرد چنین تصمیم و تغییر کلانی در سوگیری سیاست خارجی، بر محور کدام مبنا می‌چرخد؟**

ساختار تصمیم‌گیری در همه دوره‌های مذاکرات هسته‌ای ثابت بوده است و شورای عالی امنیت ملی مرجع اصلی تصمیم‌گیری‌ها و شخص مقام معظم رهبری هم تصمیم‌گیرنده نهایی بوده‌اند؛ منتهی شرایط سیاسی داخلی و روابط خارجی در هر دوره متفاوت بوده است. شما فضای سیاسی بین‌المللی درباره ایران در دوره ریاست جمهوری قبلی و فعلی را مقایسه کنید؛ اینها هم واقعیات و فاکتورهایی تعیین‌کننده هستند.

**می‌دانیم که تمام دولت‌های پیشین وقتی کارشان تمام شد، اهداف و نتیجه اقداماتشان در سیاست خارجی با ایده‌ها و برنامه‌های اولیه بسیار تفاوت داشت و هر کدام به دلایلی بعد از پایان دولت، چالش‌های جدی را برای دولت بعد به جای گذاشتند. حالا دولت روحانی در چه موقعیتی قرار دارد؟ به نظر شما سرنوشت کار این دولت در سیاست خارجی چیست؟ آیا می‌تواند برای همیشه آن روند ناکامی دولت‌ها را پایان دهد یا اسیر همان روند می‌شود؟**

البته یک واقعیت تلخ این است که اکثر رؤسای جمهوری و مجلس ما بعد از انقلاب، چه بعد از خدمت و چه در حین خدمت‌شان مورد حمله و اتهام قرار گرفتند؛ این آفتی بزرگ است که بزرگان باید علاج کنند. شرایطی که موجب می‌شود تا بزرگان انقلاب به این روز بیفتند، همان شرایطی است که برنامه‌هایشان را هم با مشکل مواجه می‌کند و اینها را نمی‌توان از هم تفکیک کرد. حفظ احترام و آبرو و عزت مقاماتی در این سطح، پیام ثبات و اقتدار نظام است و اول باید این آفت را علاج کرد.

**به عنوان سؤال آخر بفرمایید نقش ایران در سوریه چقدر تعیین‌کننده و جاافتاده است؟ به نظر شما**

اگر قرار باشد قدرت‌های فرامنطقه‌ای و دشمنان منطقه‌ای ایران بخواهند همه با هم به نتیجه‌ای برسند و مجبور به تأمین نظرات ایران هم باشند یا حتی اگر به نتیجه‌ای خلاف خواست ما رسیدند، نتوانند آن را به اجرا بگذارند و در عین حال موقعیت و جایگاه منطقه‌ای ما را هم تهدید نکند، مصلحت چیست؟

سطح ورود جمهوری اسلامی به سوریه در حدی است که نتیجه بحران سوریه تأثیر مهمی بر جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت و این واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است. منتهی مهم‌تر این است که نهایتاً سوریه از هم نپاشد، تجزیه نشود، مقر مرکزی تروریسم تکفیری نشود و به نحوی هرچه سریع‌تر بحران سوریه کنترل و خاتمه یابد. طولانی شدن بحران به نفع هیچ یک از طرفهای ذی‌نفع نخواهد بود؛ جنگ هم راه‌حل نهایی ختم بحران نیست. بحران سوریه هم برای همه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حیثیتی شده است؛ لذا بهترین حالت این است که راه‌حلی پیدا شود که برای همه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آبرومند باشد.